

نقش زنان در حرفه‌ی حسابداری ایران و جهان

نمای کلی اشتغال در ایران

بر اساس اطلاعات منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۹۷ اندکی بیش از ۲۷ میلیون نفر جمعیت فعال (شاغل و افرادی که قابلیت مشارکت در تولید کالا و خدمات دارند) در کشور وجود داشت که نزدیک به ۲۴ میلیون نفر از آنان شاغل بودند. از بین جمعیت شاغل، ۱۸،۲ درصد مرد و ۸،۸ درصد زن بودند. یعنی، در سال یادشده بیش از ۱۹،۴۶ میلیون مرد و ۴،۳۴ میلیون زن در ایران شاغل بودند. این در حالی است که ۴۹،۵ درصد جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند، و نسبت زنان دارای تحصیلات دانشگاهی در شمار قابل توجهی از رشته‌ها بیش از مردان است. نمودار ۱ نسبت اشتغال زنان در ایران و کشورهای منتخب را نمایش می‌دهد، که نشان‌دهنده‌ی نسبت پایین‌تر ایران حتی در مقایسه با کشورهای کمتر توسعه‌یافته است.

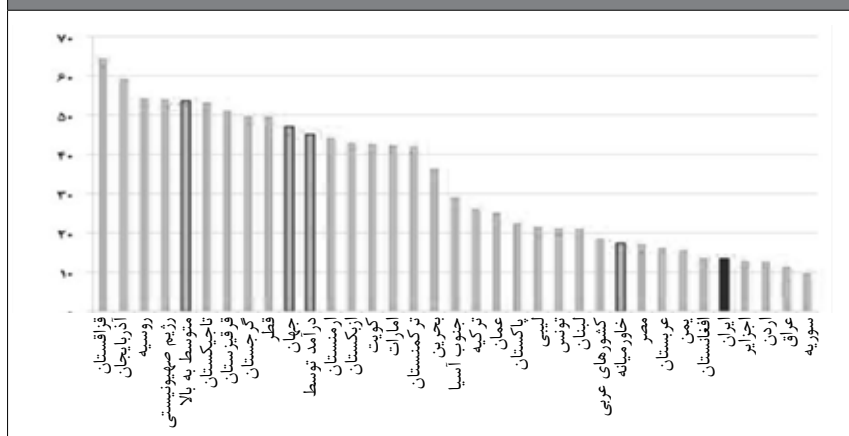
بر اساس همین آمار، در سال ۱۳۹۷ نزدیک به ۳،۳ میلیون نفر بیکار (فردی که هم دنبال کار است و هم قابلیت مشارکت در تولید کالا و خدمات دارد) در کشور وجود داشت که ۶۹ درصد آنان را مردان و ۳۱ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دادند. معیار شاغل بودن نیز کار کردن حداقل یک ساعت در هفته بود. هر چند اطلاق عنوان شاغل به کسی که هفته‌ای یک ساعت کار می‌کند مطابق استانداردهای سازمان جهانی کار است و در سال ۱۹۸۲ مورد توافق قرار گرفته است، ولی نکته‌ی مهم در ارزیابی وضعیت اشتغال کشورهای مختلف، علاوه بر سطح

دستمزدها، در این نکته است که چند درصد از افراد شاغل ساعات کار هفتگی مناسبی داشته‌اند؟ طبق آمار مرکز آمار ایران، بیش از ۶ میلیون نفر از افراد شاغل (یک چهارم کل شاغلان) کمتر از ۱۴ ساعت در هفته کار کردند و تقریباً ۱،۷ میلیون نفر نیز بین ۱۴ تا ۲۵ ساعت در هفته کار کردند. تنها ۵۶،۸ درصد از شاغلان هفته‌ای بین ۴۴ تا بیش از ۵۰ ساعت مشغول به کار بودند.

نرخ بیکاری زنان ۱۸،۹ درصد و نرخ بیکاری مردان نیز ۱۰،۴ درصد اعلام شده است. همچنین، بیشترین سهم اشتغال زنان در بخش خدمات با ۵۳،۴ درصد و کمترین مربوط به بخش کشاورزی با ۱۹،۷ درصد بوده است. سهم اشتغال در بخش خصوصی با ۷۷،۳ درصد نیز در مقایسه با سهم ۲۲،۷ درصدی اشتغال در بخش دولتی بیشترین سهم از اشتغال را در بین بانوان به خود اختصاص داده است. جمعیت غیرفعال کشور که نه قابلیت تولید کالا و خدمات دارند و نه دنبال کار می‌گردند نیز حدود ۴۰ میلیون نفر احصاء شده است که حدود ۶۰ درصد از جمعیت بالای ۱۰ سال کشور است. از بین آنان، بیش از ۱۱،۶ میلیون در حال تحصیل و حدود ۲۱ میلیون نفر زنان خانه‌دار هستند.

بر مبنای این نمای کلی، بسیاری از صاحب نظران حدود ۴ درصد افزایش مشارکت اقتصادی زنان طی شصت سال گذشته را ناکافی می‌دانند. طی سالهای اخیر حدود ۶۵ تا ۷۰ درصد از دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها را زنان تشکیل می‌دهند. ولی حدود ۶۴

نمودار ۱ - اشتغال زنان در ایران و شماری از کشورها



فرشته محمدی

درصد از زنان دانش‌آموخته هرگز وارد بازار کار نمی‌شوند. در نمایه‌ی ۲ نرخ مشارکت و نرخ بیکاری زنان در گروه‌های سنی مختلف در ایران نمایش داده شده است.

جایگاه زنان در آموزش عالی ایران

طبق آخرین اطلاعات منتشر شده در پایگاه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در حال حاضر ۱۸ هزار و ۴۸۱ زن عضو هیئت علمی وزارت علوم، وزارت بهداشت و پژوهشکده‌ها هستند. از این تعداد، ۳۵۰ نفر استاد، ۱۴۰۴ نفر دانشیار و ۸ هزار و ۳۵۲ نفر استادیار هستند. در مجموع نیز حدود ۲۴ درصد اعضای هیئت علمی موسسات آموزش عالی کشور را زنان تشکیل می‌دهند. البته این سهم تناسبی با شمار دانشجویان و دانش‌آموختگان زن ندارد. در حال حاضر، ریاست یک دانشگاه دولتی و سه موسسه غیرانتفاعی دختران بر عهده‌ی زنان است. شش مرکز پژوهشی زنان در کشور دایر است. حدود ۵۵ درصد از دانشجویان کشور را دختران تشکیل می‌دهند. تعداد دختران در مقطع کارشناسی از تعداد پسران بیشتر است. ولی در مقطع کارشناسی ارشد ۳۵ درصد و در مقطع دکتری ۳۷ درصد از دانشجویان زن هستند. ۵۳ درصد از دانشجویان علوم انسانی، ۶۸ درصد از دانشجویان علوم پایه، ۲۳ درصد از دانشجویان فنی و مهندسی، و ۵۲ درصد از دانشجویان کشاورزی را زنان تشکیل می‌دهند. در مجموع، ۵۷ درصد از دانشجویان کل مقاطع تحصیلی دانشگاهی و ۴۴ درصد از دانش‌آموختگان ایران زن هستند. نکته‌ی جالب این‌که در حال حاضر ۵۶ درصد از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی را زنان تشکیل می‌دهند. از این میان، سهم زنان از دانشجویان رشته‌های علوم پزشکی ۵۳ درصد، از رشته‌های علوم انسانی ۵۸ درصد و از رشته‌های گروه‌های علوم پایه به ۶۹ درصد رسیده است. با این حال، همچنان سهم آنان از پژوهشگران و اعضای هیئت علمی پایین است، و تنها ۴ مجله‌ی تخصصی زنان داریم.

این آمار نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که به رغم مناسب بودن وضعیت آموزش عالی زنان در ایران، به ویژه در مقایسه با کشورهای منطقه، ولی از ظرفیت بالای دانش‌آموختگان زن آن طور که

باید استفاده نمی‌شود.

جایگاه زنان در حرفه‌ی حسابداری ایران

نگاهی به ترکیب اعضای انجمن‌های حرفه‌ای حسابداران در انگلستان بیانگر عضویت حدود ۴۹ درصد زنان است. ضمن این‌که گرایش زنان به حرفه‌ی حسابداری روزافزون است. به طوری که ۵۷ درصد از دانشجویان انجمن حسابداران رسمی خبره‌ی انگلستان (ACCA) را زنان تشکیل می‌دهند. شاید کمتر کسی بداند که فلورانس نایتینگل گراهام (با نام تجاری "الیزابت آردن"، ۱۹۶۶ - ۱۸۸۱) زنی کانادایی-آمریکایی بود که کار خود را از حسابداری برای یک شرکت داروسازی شروع کرد و سپس توانست برند "الیزابت آردن" را به‌وجود آورد و تبدیل به یکی از ثروتمندترین زنان جهان بشود. او خود این موفقیت را مدیون ورودش به رشته‌ی حسابداری می‌داند.

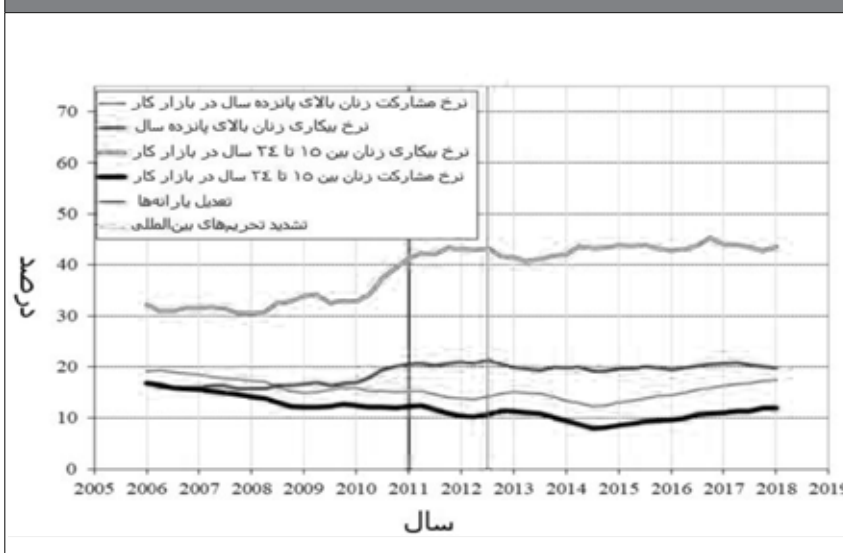
در ایران نیز بیش از دو دهه است که شاهد اقبال زنان به رشته‌ی حسابداری هستیم. در بین استادان حسابداری نامدار ایرانی از گذشته تا به امروز نام‌هایی همچون، طاهره خدادوست (نخستین زن دارای دکتری حسابداری در ایران)، فریده خلعتبری (از نخستین اعضای انجمن حسابداران خبره‌ی ایران و نخستین سردبیر مجله‌ی حسابداری)، شیرین مشیر فاطمی (نخستین زن عضو انجمن حسابداران چارترد

انگلستان و ولز در ایران)، منیژه رهسپار محمدی (از مدیران موسسه‌ی حسابرسی کوپرز - قبل انقلاب)، سکینه غنیمی‌فر، رضوان حجازی، ویدا مجتهدزاده، بیتا مشایخی، شهناز مشایخ، فرزانه نصیرزاده، فاطمه صراف، آریتا جهانشاد، رویا دارابی، زهرا لشکری، فرزانه حیدرپور، مهناز ملانظری، نرگس حمیدی، اعظم ولی‌زاده لاریجانی، پری چالاک، ندا آهنجیده، پریسا سادات بهبهانی‌نیا تجویدی، زهرا پورزمانی، زهره حاجیها، عاطفه حسینی، زکیه شوشتریان، آتیه وثیرش، حلیمه رحمانی، الهام حمیدی، و دهها استاد زن برجسته‌ی دیگر به چشم می‌خورد که از ستارگان علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران به شمار می‌آیند. ولی متأسفانه فقط ۵ درصد از حسابداران رسمی ایران زن هستند، و تنها ۱۲ درصد از اعضای انجمن حسابداران خبره‌ی ایران را زنان تشکیل می‌دهند.

تفاوت جنسیتی اشتغال

تفاوت‌های بین زن و مرد به دو عامل جنس و جنسیت مربوط است. جنسیت یک باور و تعریف اجتماعی از امور زنانه و مردانه است که می‌تواند طی زمان دگرگون شود. عامل جنس را معمولاً اساس یک طبقه‌بندی دوگانه در نظر می‌گیرند که تعیین می‌کند یک فرد زن یا مرد است. البته این طبقه‌بندی بر عامل ژنتیکی جنس و نه عامل هورمونی تأکید دارد. زیرا می‌توان اثبات کرد که بخشی از رفتارهای

نمودار ۲- نرخ مشارکت و نرخ بیکاری زنان در گروه‌های سنی مختلف در ایران



فردی در قالب تفاوت‌های هورمونی مرد و زن قابل تعریف است. جنسیت یک طبقه‌بندی پیوسته از همه‌ی حالات و رفتارهایی است که می‌توانند زنانه یا مردانه تلقی شوند. بر اساس همین طبقه‌بندی است که می‌توان گفت رفتار یک فرد بیشتر زنانه و نه مردانه است. مطالعات مربوط به جنسیت برای آن که بتوانند تفاوت‌های رفتار در زنان و مردان را توضیح بدهند، باید هر دو بعد زیست‌شناسی (طبیعت) و تفاوت‌های محیطی (تربیت) را مدنظر قرار دهند. ریشه‌ی تفاوت‌های زیست‌شناسی در رفتارهای مردانه و زنانه را می‌توان در نقش‌های مختلفی جست‌وجو کرد که زن و مرد در زندگی بر عهده می‌گیرند. تفاوت‌های زیستی موجود در مغز زن و مرد نیز در بروز رفتارهای متفاوت بین آنان نقش دارد. اگرچه پژوهش‌ها نشان می‌دهند مغز زن و مرد در حالت کلی مشابه یکدیگرند، ولی از دیدگاه خرد بین مغز زن و مرد تفاوت‌های اساسی وجود دارد. به طور مشخص، ثابت شده است که در مغز زنان ابعاد توجه به پیرامون و محیط گسترده‌تر از مردان است.

تحقیقات و مستندات موجود در سطح جهانی به ویژه جوامع سنتی‌تر نشان می‌دهد نوعی باور نادرست حتی در بین زنان وجود دارد که زنان را کمتر از مردان شایسته و لایق می‌داند، و فعالیت‌های زنان را کم ارزش‌تر از فعالیت‌های مردان ارزیابی می‌کند. این باور نادرست نه تنها مانع ارتقای شغلی زنان به موقعیت‌های معتبر و مدیریتی می‌شود، بلکه انگیزش درونی و احساس شایستگی و کارآمدی زنان را نیز تخریب می‌کند. به عنوان مثال، در شرکت سهامی حسابرسی (پیش از انقلاب) با این که زنان حسابرس نیز در آن شاغل بودند ولی هیچ کدام از آنان به سمت مدیر حسابرسی ارشد نرسیده بودند. جالب این جاست که بسیاری از افراد حرفه‌ای حسابداری را اساساً یک رشته‌ی زنانه می‌دانند که محدودیت‌های سنتی سایر مشاغل را برای ورود زنان ندارد. با این حال، به رغم سهم قابل ملاحظه‌ی زنان در این رشته چه در ایران و چه در سطح جهانی، مثلاً، مشارکت ۵۱ درصدی زنان در موسسات حسابرسی، ولی در رده‌ی شرکای موسسات حسابرسی در جهان که در سال ۲۰۱۸ حدود ۲۵ درصد بود. یا با وجودی که ماری هاریس اسمیت (استرالیایی) نخستین زن حسابدار قسم‌خورده‌ی جهان در سال ۱۸۸۸

یا کریستیان رز نخستین زن حسابدار رسمی در آمریکا در سال ۱۸۹۶ هم‌پای مردان نقش‌آفرین بودند ولی شاهد ظهور کمتربرجسته‌ی زنان در این رشته و موسسات بزرگ بین‌المللی هستیم. مثلاً، فقط یک زن در راس مدیریت ده موسسه‌ی بزرگ جهان (جین استنفان، رئیس هیئت مدیره‌ی RSM International، ششمین موسسه‌ی حسابرسی بزرگ جهان) به چشم می‌خورد؛ یا فقط ۱۵ درصد از شرکای کار حسابرسی پانصد شرکت برتر جهان را در چهار موسسه‌ی حسابرسی بزرگ زنان تشکیل داده‌اند؛ و یا فقط ۹ شریک کار حسابرسی مسئول کار از بین یکصد شرکت برتر انگلستان زن هستند که همگی آنان نیز سفیدپوست هستند. این در حالی است که ۵۰ درصد حسابداران شاغل کانادایی زن هستند.

نگاهی به آمار زنان شاغل در حرفه‌ی حسابداری در شماری از کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که در اتحادیه‌ی اروپا ۶۲٫۸ درصد، فنلاند ۶۸٫۷ درصد، فرانسه ۶۸٫۹ درصد، آلمان ۶۰٫۴ درصد، ایرلند ۵۶٫۳ درصد، ایتالیا ۵۹٫۴ درصد، نروژ ۵۸٫۳ درصد، اسپانیا ۵۸ درصد، سوئد ۶۰٫۵ درصد، سوئیس ۵۸٫۹ درصد، انگلستان ۵۳٫۵ درصد و در آمریکا ۶۰٫۶ درصد از افراد شاغل در حرفه‌ی حسابداری را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین، درصد مدیران حسابرسی زن در چهار موسسه‌ی بزرگ حسابرسی جهان، Deloitte ۲۰٫۸ درصد، PWC ۱۶٫۳ درصد، EY ۱۲٫۹ درصد و در KPMG ۱۰٫۶ درصد بوده است که ۸۷ درصد آنان را زنان سفیدپوست تشکیل می‌دهند که عملاً نوعی تبعیض نژادی را نشان می‌دهد. در واقع، موضوع فقدان جایگاه مناسب و ارتقای زنان در حرفه‌ی حسابداری و به ویژه حسابرسی محدود به کشورهای سنتی و کمتر توسعه‌یافته نیست. زیرا متوسط حقوق زنان و مردان هم‌رده در موسسات حسابرسی بزرگ انگلستان تفاوت حدود ۱۱ هزار دلاری در سال را نشان می‌دهد. البته یافته‌های شماری از تحقیقات نشان می‌دهند که با وجود گزینه‌های بسیار، تمایل زنان حسابرس همچون سایر زنان شاغل به سمت صرف زمان بیشتر برای فرزندان خود و خانواده‌شان است، و علی‌رغم محدودیت‌ها زنان از این انتخاب خود خوشحال هستند. زنانی که کار پاره‌وقت را انتخاب می‌کنند عمدتاً در انتخاب

بین کار و زندگی، اولویت را به ایفای نقش مادری می‌دهند. با این وجود، در بیشتر مواقع این شیوه‌ی کار توسط کارفرما تایید نمی‌شود و عملاً به یک محدودیت و تبعیض در ارتقای زنان حسابرس تبدیل می‌شود.

طبق تحقیقات انجمن بازرسان رسمی ثقلب آمریکا (ACFE) زنان در مقایسه با مردان کمتر در فرآیند ثقلب درگیر می‌شوند. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت حسابرسان زن در حسابرسی از مردان ریسک‌گریزتر هستند. این موضوع می‌تواند ناشی از نظریه‌های جامعه‌شناسی در باب رابطه‌ی اخلاق و جنسیت باشد که بیان می‌دارند زمانی که زنان عملی را تقبیح می‌کنند، نسبت به اعتقادات خود پافشاری بیشتری به عمل می‌آورند و استانداردهای اخلاقی بالاتری نسبت به مردان دارند. فارغ از تأثیرات تبعیض‌های جنسیتی، تحقیقات مستند جهانی نشان می‌دهند که زنان و به‌ویژه حسابرسان زن ریسک‌گریزتر هستند. از این رو، در عمل آستانه‌ی اهمیت کمتری را می‌پذیرند و نسبت به حسابرسان مرد، نمونه‌های بزرگتری را انتخاب می‌کنند. این موضوع می‌تواند منجر به کشف و گزارش تعداد بیشتری اشتباه و ثقلب بااهمیت توسط حسابرسان زن شود که در نتیجه منجر به کیفیت بهتر گزارشگری مالی خواهد شد. ■

منابع:

- بررسی رابطه بین ابعاد شخصیتی و نوع جنسیت با رفتارهای کاهنده‌ی کیفیت حسابرسی، مجله‌ی حسابداری سلامت، سال ششم، شماره‌ی دوم، پیاپی ۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.
- صد زن؛ مروری بر شصت سال اشتغال زنان در ایران، مهید ابراهیمی.

■ **Women in accountancy - are the numbers adding up?**, Chris Zacharia, 19 Jun 2019, University of London

فرشته محمدی: عضو انجمن حسابداران خبره‌ی ایران، کارشناس ارشد حسابرسی